

## تربیت جدید

- ۲ -

مؤنه و مصارف آن از اموال عامه انفاق میشود در حالتیکه قبلا از تبرعات واحسانات اعطاء میشد - مطلب قابل توجه این است که اهتمام اشتراکی بیحدی در امر تربیت بذل می شود - و تشخیص داده اند که : بسبب مدارس خطاها و نادانی ها اصلاح و امور بجانب فلاح و رستگاری سوق میشود . - محض تایید بیان خود دو کتاب از کتب رمان نویس اشتراکی مشهور انگلیسی : « ولز M. G. Wells را نقل و نام میبرم : نخستین آن دو کتاب « ژان و پیتر Jean and peter » و دومین : ترجمه حیات « سندرسن » معلم sanderson of qundie میباشد که در موضوع اخیرالذکر نگاشته شده و با برتاین یکی دو کتاب باید مراسله یکی از زعماء کارگران را که از حکومت انگلیس توسعه مکان مدارس متوسطه و گشودن در چنین مدارس را بروی اولاد کارگران میطلبد افزود :

tawneg : secondary Education ' For. tl.

نیز در سال جاری کتاب دیگری در تربیت از اشتراکی بزرگ انگلیس : بر تراند، روسل Bertrand Russelle انتشار یافته که مورد دقت شده است و بالجمله مراتب مرقومه وجهات سابقه الذکر : فلسفه



تربیت جدیده را بطرز آتی تحلیل میدهد :

- ا - اثبات مبدهء دمکراسی که ضامن سعادت اکثریت است .
- ب - تعلیم عمومی تا بقای حکم دمکراسی ممکن گردد .
- ج - تعلیم اجباری - زیرا جهل بر ضرر جامعه تمام می شود نه افراد فقط .
- د - تربیت عملیکه انسانرا جهت تحصیل رزق و قیام بواجبات مدنی آماده و مستعد میسازد .
- ه - تعلیم : مصلحتی است از مصالح حکومت نه آنکه مصلحت خاص باشد .



از مقارنه این مبادی با آنچه که کلیسا مبدهء قرار داده و اعصاب مردم راست میکرده و ایشان را اقناع مینموده که محض خدمت بزرگان و اشراف آفریده شده اند و صلاحیت حکم برانفس خود را هم دارا نیستند میتوان تفاوت آشکارا و فرق عظیم طرز تربیت قدیم و جدید را دریافت .

## ۲ - مسئله تنظیم مدارس

اصل و ریشه در تربیت ، فلسفه و غرض اساسی اینستکه برآن تربیت مترتب است و چون چنین اصلی مقرر شد؛ وسایل راهنمای مقصود مختلف می گردد - از این رو تفاوت پروگرام ها



و اسلوبهای تعلیم جز وسائلی که جهت تطبیق نظریه سابق الذکر  
 اتخاذ میگردند چیز دیگری نیست مثلا اگر در وسائل تنظیمه  
 مدارس امریکا تدریس نموده و دقت نمائیم : ملاحظه میکنیم  
 که انطباق کامل با نظریه فلسفی امریکا در تربیت ، دارد . -  
 اهلی امریکا وسائل ترقی و تکامل هر فردی را بدون نظر در  
 اصل و دین و مذهب وی ایجاد و تمهید مینمایند فلسفه این تربیت  
 چیست ؟ : « احترام جمع جهت احترام طبقه واحد فقط ! »  
 از این جهت مدارس خود را به ترتیبی تنظیم نموده اند  
 که بنظام « نردبانی » نامیده میشود - یعنی مدارس امریکائی  
 نردبانی شبیه است که پله اول آن « باغچه اطفال » و آخرین  
 پله آن « دارالفنون » میباشد . بهر ماسبق از اطلاعات خود باید  
 بدانفرائیم که در اتازونی در تمام مراحل تعلیم : مجانی و اجباری  
 است و این همان دقتی است که بهر کس مجال میدهد  
 تا مدارس ابتدائی و متوسطه و عالیها را بدون تادیه و جوه مقرر  
 طی کند و در آنجا باب تعلیم بر روی وضع و شریف باز است برای تقدیر  
 این رویه لازم است که آنرا با رویه معمول به مدارس اروپا  
 ( که در مرحله اول عمومی و در مراحل بعدی غیر مجانی  
 و مخصوص بخداوندان ثروت و اشراف است ) مقابله نمائیم . -  
 مثلا اگر با انگلستان برویم ، ملاحظه خواهیم کرد که فرزندان  
 اشراف در مدارس عمومی و ابتدائی بخرج حکومت مانند اطفال



فقراء غوطه ور نعمای تحصیلانند و بعد هم داخل « اسکورد » و « کمبریج » میشوند . -

چنانکه فرزندان امثال « ایتون : Eton » و « ورثی Rugby » از این قبیل میباشند اما اولاد عامه و توده فقیر در مدارس ابتدائی مزاحم یکدیگر و در مدارس متوسطه و عالیه مگر کمی از ایشان حق دخول ندارند و نمیتوانند وارد شوند زیرا اولاد رسوم معموله و ثانیاً عدم ملائمت محیط و دروس باحوال ایشان موجب است که از فیض تعلیمات متوسطه و عالیه محروم گردند . در فرانسه و آلمانهم رویه نظیر اسلوب انگلستان معمول است و دو نظام متوازی: یکی برای تعلیم عامه و دیگری خاصه! حکومت دارد . این است تفاوت بین مدارس امریکا و اروپا با اینحال سوسیالیزم در اروپا ماخذ خود را بر خورد کرده و عمده و کارگرها سپر های خویش را بلند نموده و تدریجاً از تربیت جدید - دارند استفاده مینمایند و بهمین علت است که آلمان دارد نظام مدارس قدیم و ارستکراسی را با اسلوب مدارس جدید دموکراسی تبدیل مینماید - احراز آلمان مدرسه جدیدی را بنام *Einheits Schule* خواهند اند که شبیه مدرسه نردبانی مدارس امریکا است فرانسویها هم در اینخصوص دارند با آلمان مشارکت فکری حاصل مینمایند و سوسیالیستهای فرانسه : مدرسه را میطلبند که : *École unique* نام دارد و مقصود از چنین مدرسه ارائه نظام متوازی



سابقه الذکر است که: Parallele Systym خوانده میشود.

مطالعه اصول مرقومه نشان میدهد که تمام مساعی در تربیت امروز که بنام تربیت جدید یاد داشت شده برای آنست که نظام قدیم مدارس ازاله شده و اولاد فقرا و بینوایان از نیل بمدارس عالیة و متوسطه بازمانند و پله پله تمام مراحل تعلیم را طی کنند و بدون شك این رویه همان روح د مکرسی و مساواتست که نفخه خود را از امریکا بنام عالم خواهد دمید.

### ۳ - رویه

اصل معظم « رویه » حالیه در غرب ، اصلی است که بعضی بنهضت علمیه « رنسانس » بازگشت مینمایند و هنوز هوس علمی که مردم را بتاسیس مدارس متوسطه خاصه و تدریس یونانی و لاتینی باز میدارد باقی است و از غرائب است که در اروپا و امریکا - عدۀ از مدارس تحت نفوذ و سیطره رویه رنسانس وجود دارند ، موجب وجود مدرس مزبور : مذهب فلسفی است در تربیت که مذهب :

« تادیب عقلی یا فورمال دیسیپلین » Formale discipline نامیده میشود -

خلاصه معنی این مذهب این است : « تقویت قواء

عقلیه بنامند عضلات جسم وسیله تعلیمات مخصوص . » مذهب

مزبور میگوید : « فائده عقلیه ای که بسبب فن تساعد عقل



تحصیل میگردد، منجر باتت آن فن دیگر هم میشود، مهارت عقلیه مکتسبه از تحصیل ریاضیات، مثلاً انسان را درمراولیه سیاست و تجارت کمک میدهد، قوه که بسبب تعلم لغت یونانی تحصیل میشود صاحب خود را در صورتیکه بخواهد طب بیاموزد، مساعد خواهد بود:

این است مذهب: «تادیب عقلی» اما تاثیرش در رویه های مدارس (ولو آنکه منحصر بمواضع مخصوصه باشد) - زیاد است، یعنی تربیت شدگان به بعضی دروس اکتفاء نموده و گمان میکنند که: منفعت حاصله از دروس قلیله ایشان - ایشانرا جهت استخدام تمام اعمال حاضر میسازد! -

بدین لحاظ و جهات دیگر «تربیت جدیده» از «رنسانس» اعراض کرده و مذهب «تادیب عقلی» را دور افکنده و گشایش «رویه های تحصیلی» را از قیودیکه داشته است همت گماشته و توسعه نطق و تنزید مواضع درسی را تسریع کرده و رویه های درسی را عملی و نافع و خادم حاجات عصری قرار داده است -

جاده رویه درسی را که در حوزه امثال یونانی و لاتین و ریاضیات و امور دیوانی محصور بود، وسعت داده و علم اقتصاد و تاریخ و ادب و علم اجتماع و دروس مدنیّه: civics و موضوعات تجاری بمانند فن تحریر باماشین و تلگراف و بیسیم و امثال آنرا در حوزه رویه درسی داخل کرده است.



... این است مذهب تادیب عقلی اما تاثرش در رویه های مدرسی (ولو منحصر در مواضع مخصوصه باشد) زیاد است یعنی تربیت شدگان به عضی دروس اکتفا نموده و گمان میکنند که منفعت حاصله از دروس ناچیز ایشان ایشان را برای استخدام اعمال حاضر میسازد!

ولی تربیت جدید از «رئسانس» اعتراض نموده و عصر پیشین را در گذشته و مذهب تادیب عقلی را دور افکنده و کشایش رویه های تحصیلی را از قیودیکه داشته اند همت گماشته و توسعه نطق و تزئید مواضع درس را تسریع کرده و رویه های درسی را عملی و نافع و خادم حاجات عصری قرار داده است. و پس از آنکه «رویه» در بعضی موارد مخصوصه از قبیل لاتین و ریاضیات و امور دینی محصور بود، امروز جاده اش را گشوده و در صف خود علم اقتصاد، تاریخ، ادب، علم اجتماع، دروس مدنی (Civics) و موضوعات تجاری چون: فن تحریر با ماشین، تلگراف، تلگراف بی سیم، و امثال آنرا داخل نموده است محصل که وقتی مجبور از تحصیل علوم مخصوصه بود امروز آزاد است و هرچه را که ملائم با طبع و ذوق او است فرا میگیرد تاثر تربیت جدید در رویه تحصیلی عبارت است:

۱ - اطلاق رویه جدید در نهضت علمیه.



ب - نزدیک نمودن اصول تعلیم با اصل دموکراسی و

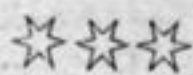
عصر قناعت

ج - کشتن مذهب « تادیب عقلی »

د - زیاد کردن موضوعات رسمی .

ه - اطلاق حربت در فرا گرفتن دروسیکه: « الکیتهو » سیستم

Elective systym نامیده میشود .



#### ۴ اسلوب

الی کنون بحث ما در تائیر تربیت جدید - در فلسفه تعلیم و تنظیم مدارس و توسعه نطاق رویه مدرسی بوده و اینک از انقلابیکه از زمان پیدایش « تربیت جدید » در اسلوب تدریس پدید آمده بحث مینمائیم .

اکثر معلمین و متعلمین گمان کرده و میکنند که تعلیم اسلوب و طریقه واحد معینی است که اگر تبعیت نشود معلم و متعلم گمراه میگردند - اما امروز اسلوبهای تدریس بمتبحرین علماء علم النفس باز کشت نموده و مستند آن : مستند تدریس تجارب علمیه است نه « آراء شخصی » و از این رو طرق تعلیم متعدد شده و ممکن است که علت قضیه این باشد که بسبب



علم النفس تفاوت اشخاص و تباینات شخصی : *individuel differences* دانسته شده است .

و بدین جهت پس از احراز تباین ذوق و مقادیر عقلانی طلبه و اخلاق وی ضروری است که باید معلم حاذق و متبحر و متخصص در اساتد هر خلاق و مزاج باشد تا بتواند از عهده تعلیم برآید . محض روشنی قضیه اهم امور را که امروز در ولایات متحده « اتازونی » امریکا و اروپا متبع است بیان مینمائیم .

بقیه دارد س . ص

اثر طبع مرحوم حسام‌الاسلام [ دانش ]

## غزل

جان من کز د خیمه در پهلوی او	تا دلم را شد وطن کیسوی او
گر بر افتد پرده از روی او	عالمی از حسن او حیران شود
هر که بیند قامت دلجوی او	از قیامت هیچ ننماید سؤال
گر به بیند چشم من ابروی او	خود دل من ایستد بهر نماز
شانه ار تازی کند از موی او	دلم ای مشاطه دلها خون شود
مستی ما نیست جز از بوی او	دیگران از باده مستند و خراب
زنده میگردد بگفت و گوی او	جان فدای آنکه صد همچون مسیح
باد گویا خاک شد در کوی او	از مقامش باد نا و مردم خیر
چشم میدارد بصبح روی او	در شب زلفش دل دانش مدام